

شکست در افغانستان یک تحقیر کامل برای امریکا [۴]

مارتین ژاک [۵]- ۱۵ آگوست ۲۰۲۱

امریکا با شکستی تاریخی در افغانستان به دست طالبان مواجه است. طولانی‌ترین جنگ امریکا که در سال ۲۰۰۱ آغاز شد با تحقیر کامل به پایان می‌رسد. طالبان تمام شهرهای بزرگ و حتی روستاها را تصرف کرده و اکنون کابل عملاً سقوط کرده است. اینجا دوباره سایگون (پایتخت ویتنام) در سال ۱۹۷۵ است. با این تفاوت که خروج ایالات متحده از ویتنام در سال ۱۹۷۲ رخ داد و دولت دست نشانده آن توانست سه سال بعد از عقب‌نشینی امریکا زنده بماند. دولت دست نشانده امریکا در کابل تنها چهار ماه پس از اعلام خروج ایالات متحده در ماه آوریل سقوط کرده است. این به ما می‌گوید که دولت کابل و اشغالگران امریکایی حتی ذره‌ای از حمایت مردمی نداشتند که در واقع شرط اولی برای بقای سربازان و نیروی هوایی امریکا بود. در مقابل طالبان آشکارا از حمایت قابل توجهی در میان مردم برخوردار است. دو دهه گذشته برای ایالات متحده فاجعه‌بار بوده است. انتخاب جورج دبلیو بوش در سال ۲۰۰۰ طبق اصول نومحافظه‌کار قرار بود آغاز قرن جدید امریکا و تداوم موقعیت تک‌قطبی ایالات متحده پس از پایان جنگ سرد باشد، اما در عوض منجر به شکست‌های تحقیرآمیز در عراق و افغانستان شد و



در سال ۲۰۰۸ به بدترین بحران مالی بعد از سال ۱۹۳۱ انجامید. در زمان خروج بوش در سال ۲۰۰۸ تک‌قطبی عملاً مرده بود و شهرت امریکا به دلیل قدرت نظامی تضعیف شده بود. امریکا اکنون به طور گسترده‌ای به عنوان یک ابرقدرت سریع‌آدر حال زوال دیده می‌شود، سایه‌ای کم‌رنگ از گذشته خویش است. شکست آن در

افغانستان پیامدهای مهمی در سراسر جهان خواهد داشت. صلاحیت رهبری سیاسی و نظامی و قابلیت اطمینان و تعهد آن به عنوان یک متحد را زیر سؤال می‌برد. اگر بتوان چنین اشتباه محاسباتی بزرگی انجام دهد و چنین شکست فاجعه‌باری را در افغانستان متحمل شود، پس چه کسی به قضاوت آن در شرق آسیا یا دریای چین جنوبی اعتماد خواهد کرد؟ اولین شکست بزرگ در این چهارچوب در ویتنام رخ داد. اکنون نمونه‌های عراق و افغانستان را نیز داریم. در هریک از این موارد امریکا از مزیت نظامی عظیمی برخوردار بود اما در واقع ناکافی بود. کلید موفقیت، پیروزی بر مردم بود و برتری نظامی نمی‌توانست دل‌ها و ذهن‌ها را فتح کند، اتفاقی که در واقع نیز نیفتاد.